


ناهید شید در پنجمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی بیش از ۱۲۲ هزار رأی از آرای مردم تهران را به دست آورد. او به دوره دوم نرسید اما با کسب رتبه پنجاه و نهم در میان ۴۰۱ رقیب انتخاباتی بیشترین آرا را در میان کاندیداهای منفرد کسب کرد. شاید در این پنج دوره هیچ کاندیدای منفردی نتوانسته باشد تا این حد توجه مردم یک شهر بزرگ را به خود جلب کند.

این تعداد رأی به یک کاندیدای منفرد برای چه بود؟ «به خاطر قیافه اش به او رأی داده اند» «عکس و تبلیغاتش خوب بود» «رتبه اش را پایین آوردند» «چرا آمد، چرا رفت؟» و ... اینها شایعات، رزمه ها و پرسش هایی بود که درباره ناهید شید در میان مردم شنیده می شد. از او خواستیم به این سؤالات و شایعات پاسخ دهد. پاسخ همه پرسش ها را نگرفتم اما بخوانید: 

● خانم شید در مورد انصراف احتمالی کاندیداهای دور دوم خبری دارید؟
○ خیر، اطلاعی ندارم.

● نمی خواهید جوای این مسئله بشوید؟
○ فکر نمی کنم هیچ کدام انصراف بدهند.

● یعنی اگر در روزهای آخر خیر بدهند که جابه جایی صورت می گیرد، هیچ برنامه ای برایش دارید؟
○ به هر حال، در دور اول هم در آخرین روزها بود که من مطلع شدم و در یک وقت محدود اقدام به تبلیغات کردم. این دور هم با همان محدودیت وقت روبه رو خواهم شد.

● کسی در مورد قرانت آرا و پایین رفتن رتبه تان بگوید.
○ مرا ابتدا نفر ۵۴ اعلام کردند و بین ردیف های ۵۶ و ۵۴ در نوسان بودم که بکمرتبه خانم دیگری

را جابه گزین من کردند که اساساً نامی از ایشان مطرح نبود. اگر فرد جانشین شده پله پله بالا می آمد، این قدر ذهن را مشغول نمی کرد که بکمرتبه جای مرا که تنها منفرد بدون وابستگی های گروهی بودم و به انکسای آرای رأی دهندگان بالا آمده بودم، کنار بگذارند و بعد چهار نفر دیگر را هم به همان ترتیب بعد از من اعلام کنند و می بینیم که اساساً لیست قرانت شده از حیث افراد تغییری نگرده و فقط من حذف شده ام.

● فکر می کنید علتش چیست؟
○ شاید این که من منفرد هستم و تحمل یک منفرد در بین گروه ها، احتمالاً، یک مقدار دشوار بود.

● یعنی تصور می کنید در لیستی که اعلام می کنند، هر جناحی سهمیه ای دارد؟
○ فکر می کنم در اعلام آرا یک سهمی روی داده و عمد نباشد. به همین جهت برای شورای محترم نگهبان و هیئت نظارت نیز نوشتم که در کارهای گسترده این چنینی امکان دارد که عمل سهمی روی دهد و به هر حال تقاضای رسیدگی کردم. آرایبی که برای من اعلام می شود، قابل بررسی است. من بیشتر صفتی رأی آورده ام.

● شایع است که شما به خاطر قیافه تان رأی آورده اید؟

ناهید شید

○ بعضی ها معتقدند که شما به خاطر قیافه تان رأی آورده اید؟

● ... پس بگویند: «فتبارک الله احسن الخالقین» ولی من فکر می کنم افکار من بوده که مردم را جذب کرده.

○ فکر می کنید علت پایین آمدن رتبه شما چه بود؟

● شاید این که من منفرد هستم.



نگار: گوروش نیکناد

○ نظر لطفان است البته منکر تأثیر چهره و بی اخلاقی بر دیگران نمی‌توان شد منتها این تمامی امر نیست و به هر حال اگر چنین باشد، یک انسان معتقد در رویارویی با خلقت نیک خداوند «فتیوارگ الله احسن الخالقین» می‌گوید. به هر حال، من فکر می‌کنم افکار من بوده که مردم را جذب کرده، من نماینده مجلس نبودم ولی مسئله اجرت‌المثل را دنبال کردم و بعد از تصویب اجرت‌المثل در شورای تشخیص مصلحت نظام آمار طلاق در ده‌گانه‌های ما کاهش پیدا کرد. این است که من تصور می‌کنم مردم بیشتر به افکار من رأی داده‌اند نه به چهره من.

● ولی این شایعه خیلی قوی است.

○ اولاً خودتان معترف به شایعه هستید. ثانیاً مطمئناً این شایعه را کسانی منتشر کرده‌اند که می‌خواهند افکار مرا تحقیر کنند و فکر می‌کنم رأی دهندگان من هم این را بپذیرند زیرا افراد سطحی و ظاهری بی بودند و بیان این‌گونه مطالب اهانت آشکار به آنهاست. البته، این قبیل شایعات در مورد تمام کاندیداهای موفق هست و فقط منحصر به من نیست.

● به‌طور کلی، آرای زنان و شرکت آنها را در انتخابات چگونه می‌بینید؟

○ خانم‌ها، خوشبختانه، در این دوره حضور فعالی داشتند؛ هم از جهت انتخاب‌شونده و هم از جهت

خانواده منسجم شد، هم مرد منتفع می‌شود و هم زن؛ هم دختر منتفع می‌شود و هم پسر.

● در مورد رأی بالای فائزه هاشمی نظرتان چیست؟

○ رأی بسیار خوبی بود و مردم نشان دادند که از شعور سیاسی بالایی برخوردارند و وقتی قابلیتی ببینند، به جسیت توجه نمی‌کنند. فکر می‌کنم آقای رفسنجانی بسیار محبوب هستند و این محبوبیت به هر حال در کل وابستگی ایشان هم تأثیر دارد. البته نمی‌توان منکر لیاقت‌های فردی فائزه خانم و اقدامات مؤثر ایشان در طول مدت تصدی امور مختلف شد. من خیلی خوشحال هستم که ایشان چنین رأیی آورده‌اند. حتی اگر صنعتی هم نگاه کنیم، نقطه عطفی بوده، منتها، شاید به تعصب، انتظار آرای بیشتر از اینها را داشتم.

● یعنی معتقدید ایشان باید نفر اول می‌بود؟

○ باید را نمی‌دانم ولی این امر دور از ذهن هم نیست. اگر ایشان به جهت پندشان رأی آورده بودند، حتماً رأی‌شان باید از میلیون می‌گذشت ولی چون این اعلام شده، باید معتقد باشیم که بیشتر به جهت قابلیت‌های خودشان بوده.

● شایع است که ایشان در صدر جدول بودند اما به قول شما به خاطر ملاحظه جناح‌ها نفر دوم

شوم، حتماً رأی خواهیم آورد. بسیاری از افرادی که مرا می‌شناختند، نمی‌دانستند که منم! این هم که به من رأی داده‌اند، به جهت شناخت ترویج و آرزوی اعتماد و محبت رأی داده‌اند نه به جهت وابستگی گروهی.

● و یا چهره‌تان؟

○ من که اصلاً چنین اعتقادی ندارم چون فکر می‌کنم شایعه‌ای است برای تحقیر آن چیزی که من می‌انیم.

● شما که همیشه حجاب اسلامی داشتید، چه شد که از چادر استفاده کردید؟

○ شورای نگهبان مرا با مقعده تأیید کرد. منتها برای احترام به افکار عمومی که در واقع چادر را به عنوان لباس ملی انتخاب کرده، درخواستم از این همبستگی اجتماعی عدول کنم.

● اما خیلی از زنان هم مانتو و روسری دارند.

○ بله دارند ولی شناخت جامعه بین‌المللی از زن مسلمان ایرانی چنین نیست.

● البته شاید از زن سیاسی؟

○ بله. ما در مملکتی زندگی می‌کنیم که معتقد به اسلام است، در مملکتی زندگی می‌کنیم که حکومتش اسلامی است و ما به آن اعتقاد داریم، به قانون اساسی‌اش معتقدیم، به ولایت فقیهش معتقدیم،

چرا آمد، چرا رفت؟

انتخاب‌کننده ولی مطلبی را که زنان ما باید در نظر داشته‌باشند، این است که توانایی‌ها و قابلیت‌های خودشان را باور کنند. متأسفانه، من اغلب می‌دیدم که خانم‌ها هم در وهله اول به آقایان رأی می‌دادند، شاید به این دلیل که آقایان را توانمندتر از خانم‌ها می‌دانند. در صورتی که من به عکس این قضیه معتقد هستم. منتها زن‌های ما این را باور ندارند و وقتی این را باور کنند، حداقل نصف نمایندگان مجلس زنان خواهند بود.

● از طرف جناح‌ها با شما تماس نگرفتند؟

○ حالا نمی‌خواهم به این سؤال جواب بدهم.

● اگر به مجلس می‌رفتید - یا اگر اعتراضات را بپذیرند و به مجلس بروید - در نظر دارید چه کار خاصی انجام دهید؟

○ معتقدم اولاً زنان خانه‌دار باید بیمه شوند تا بتوانند زندگی‌شان را اداره کنند. ثانیاً اگر مردی فوت شده، اجرت‌المثل همسرش مشخص شود.

● پس شما از آن دسته نمایندگان زنی هستید که معتقدید باید برای زنان کار کرد؟

○ من معتقدم باید برای خانواده کار کرد. زن مدار خانواده است و اگر مدار خانواده تقویت و حمایت شود، انسجام خانواده بیشتر خواهد شد. وقتی

شده‌اند.

○ من چنین تقییدی را در ملاحظه جناحی به‌کار نبرده‌ام، پس بر اساس شناخت اجتماعی به شما پاسخ دادم.

● اگر در این دور به مجلس نروید، برای دور ششم هم برنامه‌ای دارید؟

○ من فکر می‌کنم که اگر تکلیفی برای انسان هست، باید آن را در هر مرحله‌ای انجام دهد.

● هنوز این سؤال برایم باقی است که در این لیستی که وجود دارد، اگر احتمالاً یکی از کاندیدها حذف شود یا انصراف بدهد، شما چه کار می‌کنید و اگر در فرصت کمی به شما اعلام کنند، چه؟

○ اگر من امکانات تبلیغاتی وسیعی داشتم، مطمئناً خیلی بیش از این رأی می‌آوردم. شاید به حیرت بتوانم بگویم هر پوستری را که من به دست مردم دانه یا به دیوار چسبانم، یک رأی برای من آورده.

● چند تا پوستر چاپ کردید؟

○ صدهزار تا که هنوز پنج‌هزارتیش مانده.

● پس هر پوستری باید بیش از یک رأی آورده باشد.

○ بله. به همین جهت معتقدم اگر به دور دوم کشیده

به تشریح معتقدیم. در دیانت ما زن باید حجاب داشته‌باشد. منتها ما بسیاری از خانم‌ها را می‌بینیم که حجاب متعارف اسلام را ندارند. پس ما نمی‌توانیم به آنها تاسی بکنیم که بگویم بسیاری از خانم‌های ما چنین هستند.

● کمی هم از خودتان بگویید.

○ من متولد سال ۳۲ و فارغ‌التحصیل رشته حقوق قضایی از دانشگاه تهران هستم. یک پسر ۱۲ ساله دارم. در سال ۵۹ پروانه پایه یک وکالت دادگستری را گرفتم. کارشناس ارشد سازمان تأمین اجتماعی هستم. در بسیاری از کنگره‌ها و کنفرانس‌ها شرکت کرده‌ام و نظریاتم منشأ توجه بوده است. متخصص در امور کارگری، بیمه اجتماعی و حقوق زن هستم. عضو هیئت مدیره تعاونی «مصرف سازمان مذکور» هستم و در حدود شش سال پیش، شاید، اولین زنی بودم که به عضویت هیئت مدیره یک شرکت تعاونی مصرف درآمدم. به هر حال، با بالاترین آرای همکاران به عنوان اولین نفر به عضویت هیئت مدیره درآمدم و اختلاف زیادی از نظر رأی با نفر دوم داشتم.

زنان در راه

میراثگیر کار

گزارشی از
حضور زنان
در
انتخابات

مرحله اول انتخابات دوره پنجم مجلس شورای اسلامی به پایان رسید. جا دارد زنان کشور نقش‌هایی را که ایفا کرده‌اند و نقش‌هایی را که به علت موانع اجرایی قادر به ایفای آن نبوده‌اند، از زوایای مختلف بررسی کنند زیرا پس از گذراندن پنج دوره انتخاباتی، اکنون، به خوبی روشن شده است که مشارکت سیاسی زنان در امر حساس قانونگذاری به رأی دادن و رأی گرفتن محدود نمی‌شود بلکه در گستره وسیعی میسر می‌شود که در وضع موجود از آن گستره سیاسی نشان نمی‌یابیم. لذا این‌بار بحث مشارکت زنان را در ارتباط با قوانین و در آیین عملکرد اجرایی مسئولان و مدیران سیاسی کشور و با استفاده از آمارهای منتشر شده در جریان مرحله اول انتخابات دوره پنجم مجلس آغاز می‌کنیم: ■

الف) مشارکت سیاسی زنان در امر قانونگذاری، بر پایه قوانین

ایفای نقش‌های مشارکت زنان در امر قانونگذاری با موانع قانونی روبه‌رو نیست زیرا به موجب اصل ۶۲ قانون اساسی «مجلس شورای اسلامی از نمایندگان ملت، که به‌طور مستقیم و با رأی مخفی انتخاب می‌شوند، تشکیل می‌گردد. شرایط انتخاب‌کنندگان و کیفیت انتخابات را قانون معین خواهد کرد.» در قوانین انتخاباتی و آیین‌نامه‌های مربوطه نیز برای رأی‌دهندگان و نامزدهای انتخاباتی شرط مرد بودن قید شده است.

بنابراین، در قوانین ایران برای شرکت در صحنه‌های انتخاباتی مجلس شورای اسلامی شرط جنسیتی قید نگردیده است.

همچنین، قانونگذار در اصولی از قانون اساسی که ترکیب شورای نگهبان و نحوه انتصاب و انتخاب اعضای آن را توضیح می‌دهد، از مرزبندی جنسیتی دوری جست است. استاد می‌شود به اصل ۹۱ قانون اساسی که چنین است: «به منظور پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی از نظر عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با آنها، شورایی به نام شورای نگهبان با ترکیب زیر تشکیل می‌شود: (۱) شش نفر از فقهای عادل و آگاه به مقتضیات زمان و مسائل روز؛ انتخاب این عده با مقام رهبری است. (۲) شش نفر حقوقدان، در رشته‌های مختلف حقوقی؛ از میان حقوقدانان مسلمانی که به وسیله رئیس قوه قضاییه به مجلس شورای اسلامی معرفی می‌شوند و با رأی مجلس انتخاب می‌گردند.» در الفاظ و معانی این اصل هم اثری از شرط جنسیتی مشاهده نمی‌کنیم. الفاظ و معانی به قدری صریح و روشن است که جای برای تفسیرهای سلیقه‌ای و شخصی باقی نمی‌گذارد. لذا زنان برای حضور در ترکیب شورای نگهبان مانع قانونی پیش رو ندارند.

در بند (۱) از اصل ۹۱، صفات شش نفر از اعضای شورا به گونه‌ای تعریف شده که اجازه می‌دهد نمونه‌های شایسته‌ای از زنان واجد شرایط را که هم فقیه باشند و هم عادل و آگاه به مقتضیات زمان و مسائل روز، برگزید. در ایران، از دیرباز، زنان توانسته‌اند در حوزه‌های دینی مدارج علمی را طی کرده و به درجه اجتهاد برسند. این مدارس بعد از انقلاب رویه نژوتی نهاد و زنان و دختران بسیاری را جذب کرد. در پاسخ به این پرسش که آیا عضویت زنان فقیه در شورای نگهبان با جمع شرایط مندرج در قانون مانع شرعی دارد یا خیر، باید گفت: فقیه کسی است که فقه دینی را می‌داند، چه به اجتهاد باشد یا به تقلید. در اصل ۹۱ قانون اساسی



واژه فقیه به کار رفته و صفاتی چون عدالت و آگاهی سیاسی برای وی قید گردیده است. در مفاد اصل تصریح شده هدف از ایجاد شورای نگهبان پاسداری از احکام اسلام و تشخیص مغایرت یا عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با احکام دینی است. این هدف را فقیه البته می‌تواند انجام دهد زیرا او به احکام اسلام آشناست، اگرچه این آشنایی از روی تقلید باشد. با وصف مزبور زنان می‌توانند به عنوان فقهای شورای نگهبان منصوب شوند. قانونگذار در اصل ۹۱ قانون اساسی دقیقاً به مبانی دینی نظر داشته و بر این باور بوده است که ذکورت شرط فقاقت نیست. زنان نیز می‌توانند فقیه باشند و از فقه‌شان در جامعه اسلامی استفاده کنند و استفاده برسانند. نزون بر آن، مطابق آیه شریفه نقر (۱۲۱) سوره توبه) زنان فقیه و وظیفه دارند دانش فقهی خود را به دیگران منتقل کنند و آن را به کار ببرند. بنابراین، حضور و عضویت زنان در جمع فقهای شورای نگهبان نه تنها با مانع شرعی روبرو نیست بلکه حتی ضرورت است.

نظر به این‌که عدالت و آگاهی به مقتضیات زمان و مسائل روز در هیچ‌یک از متون حقوقی و دینی خاص مردان اعلام نشده است، لذا زنان

می‌توانند به استناد بند (۱) اصل ۹۱ قانون اساسی سهم خود را از حق مشارکت در حدود شأن و منزلت انسانی خویش مصروفه و مستند به اصول دینی و حقوقی مطالبه کنند.

در بند (۲) از اصل ۹۱ قانون اساسی نیز تصریح شده که شش نفر حقوقدان، در رشته‌های مختلف حقوقی، از میان حقوقدانان مسلمانی که به وسیله رئیس قوه قضاییه به مجلس شورای اسلامی معرفی می‌شوند و با رأی مجلس انتخاب می‌گردند، به عنوان اعضای حقوقدان به عضویت شورای نگهبان پذیرفته شوند. بنابراین، در کشوری که حدود نیم قرن است زنان در حرفه و کالت دادگستری حق اشتغال دارند و حتی تا سال‌ها بر مسند قضاوت تکیه زده بودند و این‌ک

در تمام سازمان‌ها و نهادهای دولتی و خصوصی در مقام مشاور حقوقی حضور دارند، ورودشان به شورای نگهبان در جمع حقوقدانان عضو شورا کاملاً میسر است. لذا، زنان می‌توانند سهم خود را از مشارکت برای عضویت در شورای نگهبان طبق بند (۲) اصل ۹۱ قانون اساسی بخواهند.

● در بند (۱) از اصل ۹۱ صفات

شش نفر از اعضای شورای

نگهبان به گونه‌ای تعریف شده

که می‌توان بر اساس آن

نمونه‌های شایسته‌ای از زنان واجد

شرایط را، که هم فقیه باشند و

هم عادل و آگاه به مقتضیات زمان

و مسائل روز، برگزید.

علاوه بر آنچه در بالا نقل شد، در آیین‌نامه‌ها و قوانین ناظر بر انتخابات مجلس شورای اسلامی نیز وصف مرد بودن ذکر نشده است و زنان می‌توانند مانند مردان در ترکیب هیئت‌های نظارت و بازرسان و در جمع افرادی که در حوزه‌های انتخاباتی به منظور کشف تخلفات و مراقبت بر صحت انتخابات و شمارش آرا و... فعال می‌شوند، حضور یابند.

ب) مشارکت سیاسی زنان در امر قانونگذاری، به روایت سیاست‌های اجرایی

با وجود فرصت‌های قانونی، واقعیت‌های اجرایی که محصول اعمال سلیقه‌های شخصی مدیران سیاسی کشور است، سرنوشت دیگری را بر پیشانی زنان ایران رقم زده است. عملکرد اجرایی قوانین را در دو بخش از حیث کمیت و از حیث کیفیت بررسی می‌کنیم.

از حیث کمیت: مجریان قوانین ناظر بر انتخابات این قوانین را از اثر تهی ساخته‌اند.

آمارهای رسمی و منتشره در این خصوص را شاهد می‌آوریم:

در اولین دوره مجلس شورای اسلامی (۱۳۵۸) از ۲۷۰ نماینده مجلس فقط ۲ نفر زن بوده‌اند.

در دومین دوره مجلس شورای اسلامی (۱۳۶۲) از ۲۷۰ نماینده مجلس فقط ۴ نفر زن بوده‌اند.

در سومین دوره مجلس شورای اسلامی (۱۳۶۶) از ۲۷۰ نماینده مجلس فقط ۴ نفر زن بوده‌اند.

در چهارمین دوره مجلس شورای اسلامی (۱۳۷۰) از ۲۷۰ نماینده مجلس فقط ۹ نفر زن بوده‌اند.

نسبت‌های عددی زنان نماینده در مقایسه با مردان طی چهار دوره قانونگذاری



شگفتی آور، تکان‌دهنده و نومیدکننده است؛ به‌خصوص که می‌دانیم زنان ایرانی با هر نوع گرایش سیاسی در انقلاب حضور یافتند، به امید تحقق عدالت اجتماعی؛ که سهم برابر آحاد مردم از مشارکت، صرف‌نظر از جنس و نژاد و دین و...، از اهم مبانی آن است.

زنان ایرانی حتی این حضور کم‌رنگ و ضعیف را که در چهار دوره قانونگذاری شاهد آن بودیم، در ترکیب اعضای شورای نگهبان نداشته‌اند. در ترکیب اعضای این نهاد سرنوشت‌ساز، در ادوار مختلف، حتی نام یک زن به چشم نمی‌خورد. چنانچه ناظران بی‌طرف از دور به این تصاویر نگاه کنند، دچار این توهم می‌شوند که گویا در ایران زنان را به دانشکده‌های حقوق و حوزه‌های علمیه و مدارس دینی راه نمی‌دهند یا آن‌که ورود زنان به این مراکز علمی برای خالی نبودن عریضه است و جنبه تربیتی و تبلیغاتی دارد. حال آن‌که می‌دانیم چنین نیست و هرچه هست، بیانگر سلیقه‌های شخصی مجریان قوانین است که حتی از پذیرش زنان در هیئت‌های نظارت و بازرسی بر انتخابات سر باز می‌زنند. لذا، شاید بتوان گفت چنانچه زنان از وضع موجود انتقاد نکنند، قوانین مبتنی بر مشارکت جنبه تربیتی و تبلیغاتی خود را حفظ خواهد کرد و زنان در عرصه مشارکت فقط برای تحکیم موقعیت سیاسی آقایان به کار گرفته می‌شوند و بس.

از حیث کیفیت: معدود زنان نماینده که در ادوار چهارگانه انتخاباتی به مجلس شورای اسلامی راه یافته‌اند، عموماً از یک طیف سیاسی خاص دست‌چین شده‌اند که به‌شدت جانبدار سیاست‌های رسمی بوده‌اند. سایر طیف‌ها، گرایش‌ها و دیدگاه‌ها نترسیده‌اند نمایندگانی در مجلس داشته باشند. بنابراین، جا دارد یادآوری کنیم که معدود زنان حاضر در ادوار چهارگانه از حیث کیفیت حضور نیز گزینش شده‌اند و در نتیجه نقش مشارکت زنان در امر قانونگذاری کشور، با وجود مجوزهای قانونی آن، تحت تأثیر عملکرد سیاست‌های اجرایی و انحصارگرا که از ایجاد فرصت‌های لازم برای حضور مؤثر زنان دریغ می‌ورزند و از طرفی سایر طیف‌ها و دیدگاه‌ها و گرایش‌های سیاسی را تحمل نمی‌کنند، خنثی شده است. در فضایی که گاه صحبت کردن از حقوق زن جسارت و اعتمادبه‌نفسی خارق‌العاده‌ای می‌خواهد، باب مذاکرات اصلاحی و انقلابی درباره اعتلای حقوق زن باز نمی‌شود و در عوض گرافه‌گویی در مورد اعتلای مقام زن فزونی می‌گیرد که می‌دانیم چاره‌ساز نیست و موقعیت نامطلوب کنونی را تغییر نمی‌دهد. با حضور یکدست و منسجم یک طیف سیاسی در مجلس، که متکی بر جهان‌بینی واحدی است، تصویب قوانین متناسب با مقتضیات زمان و نیازهای اجتماعی غیرممکن خواهد بود. زیرا نمایندگان عموماً از زاویه واحدی به حقوق زن می‌نگرند و تحسین و تجلیل از زن و نمادهای اساطیری از مادر را به قانونگذاری، که کاری است سخت و دشوار، ترجیح می‌دهند. در

این‌گونه مجالس، حتی در مواردی که، زیر فشارهای گوناگون، قانونی در جهت تأمین حقوق زنان به تصویب می‌رسد، بررسی و مطالعه مذاکرات مجلس در زنان ایجاد نوسیدی می‌کند. استثناء می‌شود به بحث‌ها و مذاکرات مجلس چهارم در جلساتی که به‌بحث درباره لایحه مشاوره قضایی زنان جریان داشت. در آن نشست‌ها تقریباً تمام اعضای حاضر در جلسه با یکدیگر متفق‌القول بودند که زنان حتی قضاوت و توانایی لازم برای انشای رأی را ندارند. حتی نماینده دولت که از لایحه دفاع می‌کرد، ناگزیر شد برای رفع تشنج و تنش و به منظور هم‌سویی با دیدگاه طیف واحدی که مجلس را در تصرف و

● **جامعه روحانیت مبارز تهران نسبت یک‌ششم، جمعیت دفاع از ارزش‌های اسلامی نسبت یک‌ششم، کارگزاران سازندگی ایران نسبت یک‌ششم و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی نسبت یک‌پانزدهم را برای حضور زنان در لیست‌های نامزدی خود پذیرفته‌اند. یعنی نسبت‌ها از کمال مطلوب بسیار دور است.**

انحصار خود داشت، تصریح کند که مشاوره قضایی به زنان حق قضاوت نمی‌دهد^۱ تا ممنوع تلقی گردد. سرانجام، قانون با اکثریت بسیار ضعیف به تصویب رسید. اگر در این جلسات نمایندگانی از طیف‌ها و گرایش‌های دیگر حضور داشتند، مذاکرات در بستر مناسبی جریان می‌یافت و موجبات هتک حرمت از نیمه مؤت جمعیت کشور را که افرادی از آن شنونده مذاکرات بودند، فراهم نمی‌ساخت.

با توجه به عملکرد اجرایی است که گفته می‌شود قوانین به تنهایی نمی‌توانند موجبات مشارکت زنان را در امر قانونگذاری فراهم سازند. چنانچه موانع پیشی سد راه باشد و نامزدهای انتخاباتی گزینش شوند، زنان و مردان دگراندیش از صحنه‌های انتخاباتی می‌گریزند و این ضایعه‌ای است جبران‌ناپذیر، به‌خصوص در زمینه حقوقی زن که رفع کاستی‌های آن، بدون حضور زنان و مردانی با افکار و اندیشه‌های گوناگون فرهنگی - سیاسی در مجلس و در عرصه انتخابات ممکن نخواهد بود.

اعلام وضع موجود باعث می‌شود که مدافعان برابری و آزادی احساس کنند بدون آن‌که اجازه ورود به بازی را داشته باشند، بازی را بیاخته‌اند! انبوه زنان معترض به نابرابری‌های حقوقی زن و مرد از جمله این بازیگران هستند.

ج) در مرحله اول انتخابات دوره پنجم مجلس: آمارها چه می‌گویند؟

۱- زنان در مرحله اعلام نامزدی الف) زنان در لیست‌های نامزدی چهار گروه سیاسی: در مرحله اعلام نامزدهای انتخاباتی پس از بحث‌ها و برخوردهای بسیار که مطبوعات کشور، به‌خصوص در دو ماهه آخر سال ۷۲ به آن پرداختند، سرانجام چهار جمعیت و سازمان طرفدار نظام، با نام‌های جامعه روحانیت مبارز تهران، جمعی از کارگزاران سازندگی ایران، جمعیت دفاع از ارزش‌های انقلاب اسلامی و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی نامزدهای خود را با انتشار لیست‌های چهارگانه معرفی کردند. نظر به این‌که میزان حضور زنان در این لیست‌ها اهمیت دارد، به آنها می‌پردازیم.

در لیست نامزدهای انتخاباتی جامعه روحانیت مبارز تهران نام پنج زن در مقابل ۲۵ مرد و در لیست کارگزاران سازندگی ایران نام پنج زن در مقابل ۲۵ مرد دیده می‌شود. در لیست جمعیت دفاع از ارزش‌های انقلاب اسلامی نام پنج زن در مقابل ۲۵ مرد و در لیست سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی نیز نام دو زن در مقابل ۲۸ مرد دیده می‌شود. لذا نسبت زنان به مردان در لیست‌های چهارگانه نامزدهای انتخاباتی تهران چنین است:

جامعه روحانیت مبارز تهران نسبت یک‌ششم، جمعیت دفاع از ارزش‌های انقلاب اسلامی نسبت یک‌ششم، کارگزاران سازندگی ایران نسبت یک ششم و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی نسبت یک‌پانزدهم را برای حضور زنان در لیست‌های نامزدی خود پذیرفته‌اند. چنان‌که می‌بینیم، نسبت‌ها از کمال مطلوب بسیار دور است.

ب) زنان در سایر لیست‌های انتخاباتی: در حوزه‌های انتخابیه تهران و شهرستان‌ها، زنان به‌طور منفرد و مستقل هم خود را به‌نام نامزدهای نمایندگی معرفی کردند.

- در ۲۵ استان کشور مجموعاً ۱۹۶ حوزه انتخاباتی وجود داشته‌است که در ۱۱۴ حوزه انتخابیه شهرستان‌ها، اساساً، نام هیچ زنی به‌چشم نمی‌خورد که بسیار نگران‌کننده است. به نظر می‌رسد که نیروهای سیاسی مخالف با حضور زنان در این حوزه‌های انتخابیه فرصت‌های لازم را در اختیار زنان نگذاشته و راه را بر آنها بسته‌اند. شهرستان‌هایی که در لیست نامزدهای انتخاباتی آنها زن حضور ندارد، عبارت‌اند از: ۱- آباده و یوانات؛ ۲- آمل؛ ۳- ابریز؛ ۴- اردستان؛ ۵- اردل، فارسان و کیار؛ ۶- بناب؛ ۷- کلیبر؛ ۸- مرند؛ ۹- مراغه؛ ۱۰- سراب؛ ۱۱- هشترود؛ ۱۲- ورزقان؛ ۱۳- بوکان؛ ۱۴- پیرانشهر؛ ۱۵- خوی؛ ۱۶- سلماس؛ ۱۷- سمیرم؛ ۱۸- شهرضا؛ ۱۹- خمینی‌شهر؛ ۲۰- گلپایگان و خوانسار؛ ۲۱- فریدن و فویدونشهر؛ ۲۲- نائین؛ ۲۳- ایلام؛ ۲۴- دهلران؛ ۲۵- گرمی و پارس‌آباد؛

۲۶- مشکین‌شهر؛ ۲۷- دشتی و تنگستان؛ ۲۸- بوئین‌زهرا؛ ۲۹- ساوجبلاغ و طالقان؛ ۳۰- شهرکرد؛ ۳۱- اسفراین؛ ۳۲- بیرجند و نهبندان؛ ۳۳- تربت حیدریه؛ ۳۴- تربت‌جام؛ ۳۵- خواف و رشتخوار؛ ۳۶- سبزوار؛ ۳۷- تفت و بافق؛ ۳۸- شیراز؛ ۳۹- قائنات؛ ۴۰- فریمان و سرخس؛ ۴۱- قوچان؛ ۴۲- کاشمر؛ ۴۳- گناباد؛ ۴۴- فردوس و طیس؛ ۴۵- اندیمشک؛ ۴۶- ایلد؛ ۴۷- بندر ماهشهر؛ ۴۸- بهیان؛ ۴۹- دشت‌آزادگان؛ ۵۰- رامهرمز؛ ۵۱- شادگان؛ ۵۲- شوشتر؛ ۵۳- مسجدسلیمان؛ ۵۴- خدابنده؛ ۵۵- ماه‌نشان؛ ۵۶- دماغان؛ ۵۷- ابراهیم‌شهر؛ ۵۸- چاه‌بهار و نیک‌شهر؛ ۵۹- خاش؛ ۶۰- زابل؛ ۶۱- سراوان؛ ۶۲- اقلید؛ ۶۳- جهرم؛ ۶۴- داراب؛ ۶۵- سپیدان؛ ۶۶- سروستان؛ ۶۷- فسا؛ ۶۸- فیروزآباد؛ ۶۹- کازرون؛ ۷۰- لار؛ ۷۱- لامرد؛ ۷۲- ممسنی؛ ۷۳- بیجار؛ ۷۴- سقز و بانه؛ ۷۵- بافت؛ ۷۶- بم؛ ۷۷- رفسنجان؛ ۷۸- جیرفت؛ ۷۹- سیرجان؛ ۸۰- شهربابک؛ ۸۱- کهنوج؛ ۸۲- سرقا؛ ۸۳- بويراحمر؛ ۸۴- گنکلیویه و گچساران؛ ۸۵- بندر انزلی؛ ۸۶- رودبار؛ ۸۷- صومعه‌سرا؛ ۸۸- فومن؛ ۸۹- لاهیجان؛ ۹۰- خرم‌آباد؛ ۹۱- دلفان؛ ۹۲- گوه‌دشت؛ ۹۳- بابل؛ ۹۴- بهشهر و نکا؛ ۹۵- تنکابن و رامسر؛ ۹۶- علی‌آباد؛ ۹۷- بابلسر؛ ۹۸- گردکوی؛ ۹۹- مینودشت؛ ۱۰۰- نور و محمودآباد؛ ۱۰۱- نوشهر؛ ۱۰۲- قرش؛ ۱۰۳- ساوه؛ ۱۰۴- سرپند؛ ۱۰۵- بندرعباس؛ ۱۰۶- بندرلنگه؛ ۱۰۷- سیناب و روهان و جاسک؛ ۱۰۸- بیجار و کیوت‌آهنگ؛ ۱۰۹- تویرکان؛ ۱۱۰- رزن؛ ۱۱۱- زرتشتیان؛ ۱۱۲- سیحیان ارامنه شمال؛ ۱۱۳- سیحیان ارامنه جنوب؛ ۱۱۴- آشوریان.^۲

۲- در مرحله تعیین صلاحیت‌ها

بر پایه گزارش‌های رسمی آماری که در مطبوعات انتشار یافته است، «از بین ۵۳۵۹ نامزد نمایندگی مجلس شورای اسلامی که در مهلت قانونی ثبت‌نام کرده‌اند، صلاحیت ۲۸۷۲ نفر تأیید شد و قریب به ۲۲۷ نفر نیز قبل از بررسی صلاحیت‌ها از سوی «هیئت‌های اجرایی منصرف شده‌اند.»^۳ در حوزه انتخابیه تهران «صلاحیت ۴۱۹ نفر تأیید شده است که ۵۰ نفر از آنها را خانم‌ها تشکیل می‌دهند.»^۴ به‌طور کلی گفته می‌شود از تعداد ۲۸۷۲ نامزد انتخاباتی تأیید شده در سراسر کشور «۲۱۷ نفر زن هستند.»^۵ هرچند نسبت‌ها امیدوارکننده نیست اما هستند کسانی که وضع موجود را در مقایسه با چهار دوره انتخاباتی گذشته بهبود یافته تلقی می‌کنند و می‌گویند «... در دوره چهارم ۸۴ زن کاندیدا بودند. در این دوره ۱۷۹ زن کاندیدای نمایندگی شده‌اند، که این رقم بیانگر مشارکت وسیع زنان در امر سیاسی و وجود فضایی مناسب برای دستیابی زنان به پست‌های تصمیم‌گیری و مدیریت‌های کلان کشور است.»^۶

در اینجا، به ضرورت، برخی از شرایط

نمایندگان بر پایه بندهای ۴ و ۵ و ۷ قانون اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۷۴/۶/۲ شورای مصلحت نظام نقل می‌شود: «برای وفاداری به قانون اساسی و اصل مرفعی ولایت مطلقه فقیه - سواد خواندن و نوشتن به قدر کافی - حداقل سن ۳۰ سال تمام و حداکثر آن ۷۵ سال تمام.»

بنابراین، با وجود شرایطی که قانونگذار برای نمایندگان تعیین کرده است و با وجود اختیارات وسیع شورای نگهبان در امر نظارت بر انتخابات، ناگفته پیداست که در آرایش سیاسی صحنه‌های انتخاباتی نمی‌توان صاحبان دیدگاه‌های گوناگون

● موفقیت چند زن در مرحله اول

انتخابات نشان داد که مردم ایران

در باورهای کهن و سنتی

خود تجدیدنظر کرده‌اند و خرافه

عدم کفایت و شایستگی زنان را در

مدیریت سیاسی به دور ریخته‌اند.

سیاسی و طیف‌ها و گرایش‌های مختلف را مشاهده کرد. حاضران در لیست‌های انتخاباتی و به‌خصوص آنها که صلاحیت‌شان تأیید شده است - اعم از آن‌که زن باشند یا مرد - به یک طیف سیاسی تعلق دارند که احتمال می‌رود به لحاظ یگانگی و وحدت‌نظر در مقوله حساس و مهم حقوق زن نتوانند متناسب با مقتضیات اجتماعی و سیاسی روز در راه تأمین حقوق زن باب مباحث متنوع را بگشایند. لذا نظرات کسانی که افزایش عدوی نامزدهای زن را بدون توجه به کیفیت حضور آنان ارزیابی می‌کنند، قابل انتقاد است زیرا باید بلافاصله به این پرسش و مقدر پاسخ دهند: سخنگویان زنان سایر طیف‌ها و گرایش‌ها و دیدگاه‌های سیاسی که با سیاست‌های رسمی، به‌خصوص در زمینه حقوق زن سازگار نیستند، کجا بوده‌اند؟

۳- در مرحله تبلیغات

شیوه‌های تبلیغاتی‌ای که نامزدهای انتخاباتی برگزینند، انگیزه بحث‌ها و درگیری‌های وسیعی شد و اعضای جناح‌های سیاسی به‌کرات یکدیگر را به تخلف در زمینه تبلیغات متهم کردند. از جمله: «افراد وابسته به کارگزاران و همچنین جناح چپ، رادیو تلویزیون را متهم می‌کردند که کاندیداهای

جناح راست را به طرق مختلف در برنامه‌ها حضور می‌دهد و برای آنان تبلیغ می‌کند. روزنامه و سایت نیز متقابلاً به بخش مراسم اهدای جوایز جشنواره فیلم فجر و حضور خاتمه‌فاز هاشمی، کاندیدای تهران، در ردیف اول و در کنار وزیر ارشاد و مسئولان فرهنگی اشاره کرد و آن را یک برنامه تبلیغاتی قلمداد کرد.»^۷

در بحث‌های تبلیغاتی خانم نفیسه فیاض‌بخش از جناح راست سنتی شرکت کرد و موارد اعتراض خود را اعلام نمود: «از ریاست‌جمهوری تقاضا دارم در خصوص برخورد با متخلفین استفاده از امکانات دولتی دستور لازم را صادر نمایند تا در مرحله دوم شاهد سوءاستفاده کسانی که اموال را در اختیار دارند، نباشیم.»^۸

جامعه زنان انقلاب اسلامی در اعتراض به عملکرد شورای نگهبان در تأیید یا رد صلاحیت‌ها موضع‌گیری کرد، و درباره وضع موجود در زمینه حقوق زن در اطلاعیه خود چنین گفت:

«... دوران شعار در حفظ حقوق زن سپری شده و زن به‌عنوان موجودی انسانی که شعور و ادراک علمی و عملی وی در تعالی و پیش‌برد جوامع مؤثر است، مطرح می‌باشد... جامعه زنان علی‌رغم اعتراض شدید نسبت به عدم توجه به «صالح استراتژیکی فعلی کشور در مورد شناختن عدله‌ای از داوطلبان کاندیداتوری مجلس که از شخصیت‌های اندیشمند و متعهد و مسلمان و با سابقه در مبارزه با رژیم شاه و به پیروزی رساندن انقلاب نقش داشته‌اند، توسط شورای نگهبان و با امان نظر به موقعیت حساس کشور و بالاخص منطقه، لیست کاندیداهای برگزیده خود را در تهران و مشهد و شهریار اعلام می‌دارد.»^۹

۴- در مرحله شمارش آرا

آخرین گزارش‌های آماری که توسط مراجع رسمی در روزهای پایانی سال ۱۷۴ انتشار یافت، نشانگر آن است که در مرحله اول انتخابات ۱۴۰ نماینده وارد مجلس شدند و انتخابات ۱۳۰ نماینده دیگر به مرحله دوم کشیده شده است. از ۱۴۰ نماینده انتخاب شده در مرحله اول فقط چهار نفر زن هستند. این زنان نتوانستند در دور اول با اکثریت آرا برنده انتخابات اعلام شوند. اسامی این چهار زن عبارت است از: فائزه هاشمی‌به‌رمانی از تهران، الهه راستگو از ملایر، مرضیه حدیدیچی از همدان و نیره اخوان‌بیطرف از اصفهان. شورای نگهبان در فوروردین‌ماه ۷۵ انتخابات در حوزه اصفهان و ملایر را که در آنها زنان با اکثریت آرا در دور اول برگزیده شده بودند، باطل اعلام کرد.

شمارش آرای حوزه انتخابیه تهران از حیث تعداد آرا - آقای علی‌اکبر ناطق‌نوری با ۸۷۹۸۹۳ رأی و خانم فائزه هاشمی با ۸۵۲۶۰۹ رأی که تفاوت ناچیز ۲۷۲۸۴ رأی، جمعا، در مرحله اول موفق به کسب یک‌سوم آرا و ورود به مجلس شده‌اند - انگیزه بحث‌ها و شایعات بسیاری شد، زیرا در

● در فروردین ماه ۷۵ انتخابات دو حوزه اصفهان و ملایر، که در آنها زنان با اکثریت آرا در دور اول برگزیده شده بودند، ابطال شد.

● در بسیاری از حوزه‌های انتخابیه شهرستان‌ها، اساساً نام زن به چشم نمی‌خورد؛ که بسیار نگران‌کننده است و به نظر می‌رسد در آن حوزه‌ها نیروهای سیاسی مخالف با حضور زنان فرصت‌های لازم را در اختیار زنان نگذاشته و راه را بر آنها بسته‌اند.

چهار دوره انتخابات گذشته سابقه نداشته‌است که در تهران یک زن بتواند با آرای نزدیک به آرای نفر اول به پیروزی برسد.

در مرحله دوم انتخابات وضعیت نمایندگی ۵۶ نامزد دیگر از حوزه انتخابیه تهران روشن خواهد شد و ۲۸ تن از آنان انتخاب می‌شوند. در جمع ۵۶ نفر درگیر در مسابقه انتخاباتی مرحله دوم ۱۰ زن فعال هستند. اسامی زنانی که در لیست رقبای انتخاباتی مرحله دوم تهران حضور دارند، بدین شرح است: مرضیه وحیددستجردی، سهیلا جلودارزاده، نفیسه نیاض‌بخش، فاطمه رمضان‌زاده، منیره نویخت، پروین سلیحی، گوهرالشریعه دستغیب، مریم زعفرانی‌پهروز، صدیقه مقدسی و فاطمه نوغانی.^{۱۰} همچنین، در مرحله دوم وضعیت نمایندگی تعداد ۱۹۲ نامزد انتخاباتی در سایر حوزه‌های انتخابیه (شهرستان‌ها) روشن خواهد شد که در جمع این رقبای انتخاباتی نیز تعداد نه زن به چشم می‌خورد.^{۱۱} بنابراین، با ابطال انتخابات اصفهان و ملایر، زنان در مرحله اولی انتخابات به نسبت دو به ۱۴۰، در مقایسه با مردانی که در موقعیت مشابه قرار دارند، پیروز شده‌اند. البته این نسبت در شرایطی که می‌دانیم حدود یک قرن از عمر پارلمان در ایران می‌گذرد و دو انقلاب بزرگ در تحولات سیاسی یک قرن اخیر ایران نقش‌ها ایفا کرده‌است، نگران‌کننده و بلکه تکان‌دهنده است.

جمع‌بندی

۱- زنان طرفدار نظام که از آغاز شکل‌گیری جمهوری اسلامی همواره تحکیم‌بخش پایه‌های آن بوده‌اند، باینکه برای شرکت در انتخابات و اعلام نامزدی در دوره پنجم انتخابات مجلس شورای اسلامی بسیار تلاش کردند، نتوانستند در لیست‌های انتخاباتی - اعم از جناحی و منفرد - نسبت عادلانه‌ای را به خود اختصاص دهند. بی‌تردید حتی زنانی که با سیاست‌های رسمی سازگاری دارند و در پیشینه سیاسی‌شان اثری از ناسازگاری مشاهده نمی‌شود، از فرصت‌های برابر به منظور ورود به مجلس بهره‌مند نبوده‌اند.

۲- موفقیت چند زن در مرحله اول انتخابات، در صورتی پیش‌دوری‌ها را تغییر می‌دهد و مردم را متوجه حضور خود می‌کند که این چند زن در دوران

چهار ساله مجلس بتوانند بر موانع عقیدتی و دیدگاهی که حایز اکثریت است، چیره شده و بی‌ترس از جوسازی‌ها خلاص حقوق زن را به بحث بگذارند و نه تنها در زمینه حقوق زن بلکه در مسائل حساس امروزی ایران، مانند سیاست خارجی و چاره‌جویی‌های اقتصادی در جهاتی که مقتضیات اجتماعی و ملی ایجاب می‌کند، سخنوری و نقش‌آفرینی کنند.

۳- مقایسه آرای زنانی که در مرحله اول انتخاب شده‌اند با آرای مردان رقیب اجازه می‌دهد تا حضور زنان در ترکیب هیئت رئیسه مجلس پنجم را محتمل پیش‌بینی کنیم؛ مگر آن‌که سلیقه‌های شخصی راه را بر آنها بسته و مانع حضورشان بشوند.

۴- هرچند تعداد زنان حاضر در صحنه‌های انتخاباتی متناسب با نسبت جمعیت زنان کشور نبود و نمایندگان طیف‌ها و گرایش‌های گوناگون هم در صحنه‌ها حضور نداشتند اما آرای شمارش شده زنان در مرحله اول حامل این پیام است که باید بر ضرورت حضور زنان در سطوح بالای مدیریت کشور اصرار ورزید. مدیران سیاسی در سال‌های اخیر همواره فقدان زنان در سطوح بالای مدیریت را این‌گونه توجیه کرده‌اند که گویا جامعه ایران هنوز پذیرای آنها در پست‌های کلیدی و سیاسی نیست. حال آن‌که در جریان انتخابات (صرف‌نظر از همه انتقادهای وارد بر آن) حداقل این نتیجه حاصل شد که مردم ایران در بساورهای کهن و سنتی خود تجدینظر کرده‌اند و شایعه عدم کفایت و شایستگی زنان را در مدیریت سیاسی، مانند یک خرافه که پایه و اساس علمی ندارد و طی قرون بر آنها تحمیل شده‌است، دور ریخته‌اند. مردم به قدری از سوء مدیریت مدیرانی که فاقد دانش و تخصص بوده‌اند، صدمه خورده و زیان دیده‌اند که از این پس در پای‌بندی به شرط جنسیت برای انتخاب مدیر اصرار نمی‌ورزند و مدیران را با محک دانش و تخصص و فهم مقتضیات زمان ارزیابی می‌کنند نه با شرط جنسیت. لذا، وقت آن است که پست‌ها و مقامات انتصابی از زن‌ها دریغ نشود.

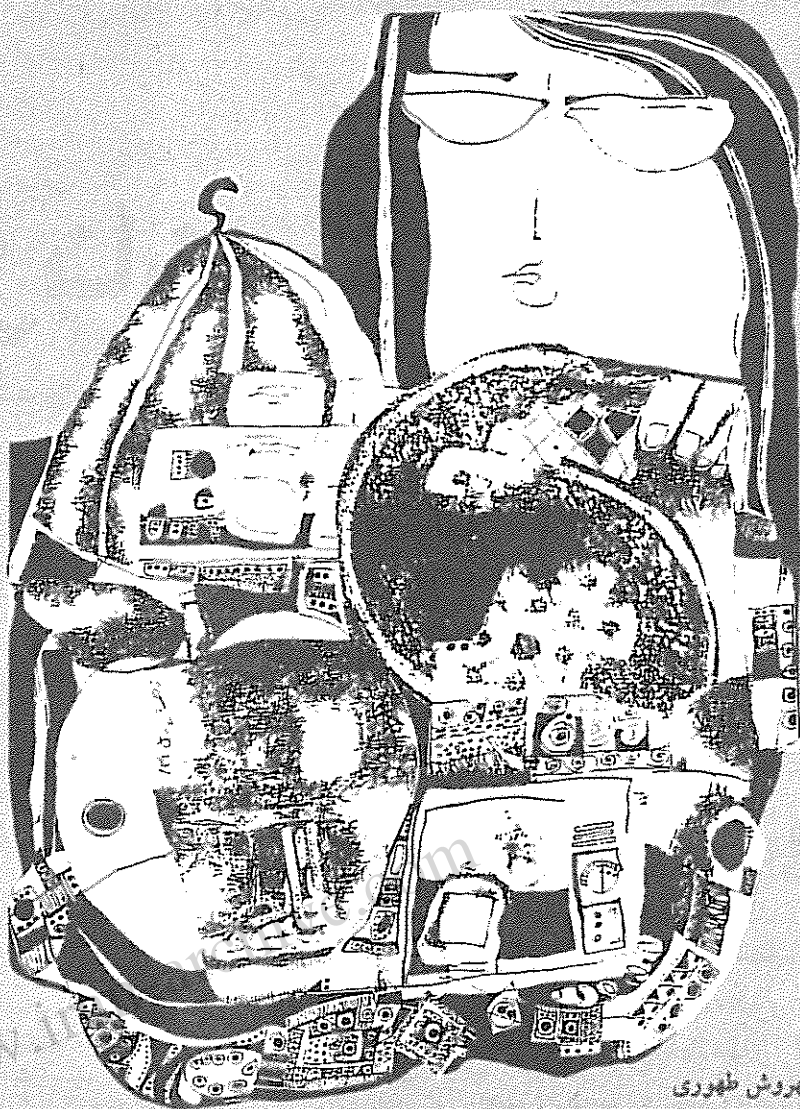
۵- نظر به این‌که در مجلس پنجم نیز تعداد نمایندگان زن نسبت به تعداد نمایندگان مرد همچنان اندک خواهد بود، اگر فقط افراد یک طیف سیاسی بر

کرسی‌های مجلس تکیه زنند، امید بستن به تحولات قانونگذاری در جهت تأمین حقوق زن بیهوده است. لذا، جا دارد تا به جبران این نقصان، زنان کشور از تمام لایه‌های اجتماعی نابرابری در حقوق و فرصت‌های محدود و عوامل بازدارنده اجتماعی و شغلی و آموزشی را که مخل امنیت و شئون انسانی آنهاست، مکتوب کرده و به مجلس گزارش دهند. آنچه مسلم است، اعلام خواسته‌ها حتی اگر به تأمین آنها منجر نشود، موضوع حقوقی زن را، که بحرانی جدی است، به بحث می‌گذارد. از این‌رو، زنان کشور دعوت می‌شوند تا خواسته‌های خود را در هر زمینه مکتوب کرده و آن را برای انتشار در اختیار مجله زنان قرار دهند. اگر در فاصله اتصال قرن بیستم میلادی به قرن بیست‌ویکم میلادی، که فرصتی است بی‌نظیر، نهادهای قانونگذاری کشور مجموعه‌های قوانین را با هدف تأمین برابری حقوق زن و مرد مورد بازنگری قرار ندهند، این ملت توانایی لازم برای گذار از قرن به قرن دیگر را در خود نخواهد یافت.

یادداشت‌ها:

- ۱- با استفاده از مقاله «مشاوره قضایی زنان، فرصتی دیگر اما نه به بهای ایستایی»، مجله زنان، شماره ۱۷، فروردین و اردیبهشت ۷۳.
- ۲- این آمار در تاریخ ۷۵/۱/۱۸ از کمیته خبری ستاد انتخاباتی کشور گرفته شده است.
- ۳- به نقل از روزنامه همشهری، مورخه ۷۴/۱۱/۳۰.
- ۴- به نقل از روزنامه کیهان، مورخه ۷۴/۱۲/۹.
- ۵- به نقل از سخنان فائزه هاشمی، منتشره در روزنامه کیهان، مورخه ۷۴/۱۲/۲۳.
- ۶- به نقل از سخنان مریم پهلوی، یکی از نامزدهای جامعه روحانیت مبارز تهران، منتشره در روزنامه رسالت، مورخه ۷۴/۱۲/۲۳.
- ۷- به نقل از نشریه پیام امروز، شماره یازدهم، فروردین ۷۵، صفحه ۹.
- ۸- به نقل از روزنامه رسالت، مورخه ۷۴/۱۲/۱۳.
- ۹- استخراج شده از اطلاعات جامعه زنان انقلاب اسلامی، مورخه ۷۴/۱۲/۱۲.
- ۱۰- به نقل از روزنامه همشهری، ۷۴/۱۲/۲۶.
- ۱۱- این آمار در تاریخ ۷۵/۱/۱۸ از کمیته خبری ستاد انتخاباتی کشور گرفته شده است.





مهروش طهوری

این روزها حوا

(۱)

در شرعی غروب مقرر
چشمی پر از بلاغت و طاعت به خواب رفت
بلاترین مجال اجابت
پر طلعه‌های مرد فرو ریخت

□

از پشت پاک‌های تو خورشید قد کشید
هریانیات فوران کرد
چشمی پر از بلاغت و طاعت
در خلصه خطوط تنت خجانه کرده بود

□

شاید
روزی تو را به خویش فراخواند
سرنهادهای عاصی و مضموم پر گرفت
سیمی دو نیمه شد
خاکستر بلاغت و طاعت
در چشم‌های مرد به جا ماند

(۲)

دست مرا بگیر
هریانیام شباهت شب‌های غربت است
نویز بوشم از تجاعلی قلندر
بر من تباب
زیباترین اسارت آزادی
طنینانی از لطافت خود را به من بیخش
ای شیرا

□

زردا که شاعرانه‌ترین شیوه رنگبناخت
رازت شکفته بود
مردی تو را شنید
مردی تو را شناخت

(۳)

آن‌سان که آفتاب...

با جلوه‌های شرقی شولای وحی
پر شاه‌گناه خواب تو روید

دستی خطاب کرد
دستی خطابه شد:
«دره نخست را به تو تقدیم می‌کنیم»
چشمان بی‌درنگ تو نوشید

□

از جاده‌های زایش و سایش
مجبور و سر به زیر، سرازیر می‌شدی
دردی خطاب کرد
دردی خطابه شد
چشمان ناگزیر تو جوشید

(۴)

لب‌های لاتمام کلامی گشوده ماند
بهی جصور
از چشم‌های حاشه تا دور قد کشید
اوصاف سنگ
در انعطاف بومی هر دست رخته کرد

□

لختی درنگ
آغوش بی‌شکوب
آشوب گیسوان تو در باد
لختی درنگ
سرما، سکوت، راهمه، فریاد:
«هایلیا»
هایلی مرآه

خوابی شکفت
لایه‌ها را فرا گرفت

(۵)

مردم چهقدر خواب نمی‌بینند
مردم چهقدر شاطره
مردم چهقدر حرفه ندارند

□

از جنس یک همجای غریبه
عز از دسام گنگی زمین دود می‌شوی
از جنس خواب و خاطره
از جنس هر چه نیست
یک لحظه می‌درخشی و نابود می‌شوی

زنان سیاستمدار

در ۲۰ سال گذشته زنان متعددی رهبری ملت‌های گوناگون جهان را برعهده گرفته‌اند. برخی از



کورازون آکینو
رئیس‌جمهور پیشین فیلیپین
۶۳ ساله

پیشینه از خانواده‌ای متمول و با نفوذ بود. بخشی از تحصیلاتش را در ایالات متحده گذراند. در سال ۱۹۵۴ برای ازدواج با روزنامه‌نگاری به نام بنینو آکینو دانشکده حقوق را رها کرد. بعد از سال‌ها خانه‌نشینی و ایفای نقش مادری «خجالتی»، وقتی رژیم مارکوس همسر مبارزش را به زندان انداخت، وارد صحنه سیاست شد. آنها در سال ۱۹۸۰ توانستند از کشور خارج شوند ولی بنینو در سال ۱۹۸۳ ترور شد.

کورازون آکینو در سال ۱۹۸۴ رئیس‌جمهور فیلیپین شد و در دوران ریاست‌جمهوری شش‌ساله‌اش با شورش‌های نظامی متعددی مواجه بود. پاسخ‌های به آن «استهزا»: «قبل از این‌که رئیس‌جمهور شوم، مارکوس مرا استهزا می‌کرد که: «چه‌طور می‌خواهید زنی خانه‌دار را که چیزی درباره کشورداری نمی‌داند، به ریاست‌جمهوری انتخاب کنید؟» جواب من این بود که: «بله، من تجارب او را ندارم. راست می‌گویند، من فریبکار و دروغگوی مجرب نیستم.»

زن بودن و دستور دادند: «در مدرسه به ما یاد می‌دادند که با دیگران مؤدب باشیم، برای انجام کارهایمان از دیگران خواهش کنیم و هرگز به کسی دستور ندهیم. در ماه‌های اول ریاست‌جمهوری‌ام، وقتی یکی از اعضای کابینه با ژنرال‌ها یا فرد زبردستی را احضار می‌کردم، می‌گفتم: «لطفاً فلان کار را انجام دهید.» چندی بعد، یکی از مشاورانم به من تذکر داد که: «اگر رئیس‌جمهور نبودید، خیلی هم خوب بود که این قدر مؤدب باشید و به‌جای دستور

دادن از دیگران خواهش کنید.» در مدرسه‌ای که در نیویورک می‌رفتم، همین زن به ما اصولی در باب آداب معاشرت و محبوبیت در میان اطرافیان یاد می‌داد.»

عواطف انسانی: «همان اوایل کارم ناچار شدم یکی از اعضای کابینه را اخراج کنم. تصمیم دشواری بود چون او از دوستانم بود. هرچه زمان می‌گذشت، بیشتر می‌فهمیدم که هرچه‌قدر هم آدم به کسی علاقه داشته باشد، باز هم نباید بگذارد احساساتش بر او غلبه کند. اما به‌گمانم هنوز هم تمام روش‌ها و عواطف زنانه‌ام را از دست نداده‌ام چون بعد از آن هم وقتی کسی نیاز به همدردی و یاری داشت، نزد من می‌آمد.»

تو کی پُست: «من از نامزدی مجدد برای پُست ریاست‌جمهوری اکراه داشتم و تا آخرین لحظه امیدوار بودم که کس دیگری جای مرا بگیرد. [از آنجا که مدت ریاست‌جمهوری‌ام پایان یافته بود] آن بار سنگین از روی دوشم برداشته شد. دیگر نگران نیستم که تصمیم‌هایم زندگی مردم بی‌شماری را تحت‌الشعاع قرار دهد. حالا هرچه‌قدر هم که تصمیمات نادرستی بگیرم، فقط خودم یا حداکثر خانواده‌ام باید جور آن را بکشیم.»



بی‌نظیر بوتو
نخست‌وزیر پاکستان
۴۳ ساله

پیشینه: فرزند محبوب پدرش، ذوالفقار بوتو، نخست‌وزیر پیشین پاکستان، بود. هنگامی که بی‌نظیر پس از پایان تحصیلاتش در هاروارد و آکسفورد به پاکستان بازگشت، نظامی‌ها پدرش را به زندان

انداخته بودند. پدر در اسارت از او خواست که راهش را دنبال کند. ذوالفقار بوتو در سال ۱۹۷۹ اعدام شد که تأثیر عمیقی بر زندگی بی‌نظیر گذاشت. از آن پس بی‌نظیر دایماً یا در خانه‌اش زندان بود یا به زندان انداخته می‌شد و غالباً در شرایط بسیار دشواری به‌سر می‌برد تا این‌که در سال ۱۹۸۴ توانست به لندن برود و از همان‌جا مبارزه‌اش را علیه شرایط حاکم بر وطن ادامه دهد. او در سال ۱۹۸۶ به وطن بازگشت، به «حزب مردم پاکستان» قدرت تازه‌ای بخشید و با خواستگارش، آصف

● کورازون آکینو: «قبل از این‌که رئیس‌جمهور

شوم، مارکوس مرا استهزا می‌کرد که: «چه‌طور می‌خواهید زنی خانه‌دار را که چیزی درباره کشورداری نمی‌داند، به ریاست‌جمهوری انتخاب کنید؟»

سرداری، ازدواج کرد. بی‌نظیر با مرگ اسرارآمیز ژنرال ضیا در سال ۱۹۸۸ در انتخابات به پیروزی رسید. بی‌نظیر اولین زنی است که رهبری یک دولت اسلامی را به دست گرفته‌است. او در سال ۱۹۹۰ به مدت سه‌سال از نخست‌وزیری برکنار شد.

نمایی از شیوه زندگی بوتو: خبرنگاری ملازمان غیرعادی بوتو را چنین ترسیم می‌کند: «در هیچ جای دنیا هواپیمایی نظیر جت اداری بی‌نظیر بوتو، نخست‌وزیر پاکستان، وجود ندارد: قسمت جلویی هواپیما مهدکودکی است صملر از اسباب‌بازی، کیف‌های دستی، روزنامه، و همچنین پرستاران و سه کودک بوتو. در کابین اصلی، مشاوران سیاسی، «آموران امنیتی» و ژنرال‌ها مراقب نخست‌وزیری هستند که محتاطانه حمایتش می‌کنند. بوتو که وارد هواپیما می‌شود، می‌گوید: «سلام آقایان، سلام بچه‌ها!» مشاهده سربازانی که به زنی بچه‌بغل سلام نظامی می‌دهند، هم نامأنوس است و هم جالب.»

دوش دهبی زنانه: «غالباً به من می‌گویند: این قدر ملایم نباش، خشن‌تر رفتار کن. به اعتقاد من رهبران مرد با رهبران زن فرق دارند. نمی‌خواهم

بر تارک جهان

لارا لیس‌وود*
ترجمهٔ رزا افتخاری

این رهبران زن دربارهٔ چگونگی کسب قدرت، روش‌های رهبری و آیندهٔ جهان سخن می‌گویند: ■

نشار مضاعف بر دوش زنان: «امور خانه و خانواده، حتی برای زنی که وارد عرصهٔ اجتماعی یا سیاسی می‌شود، از وظایف اصلی به‌شمار می‌رود و تقسیم‌بندی متعادلی در وظایف او وجود ندارد. بنابراین، هر زنی مجبور است یا جسورتر یا خوب‌تر یا مضم‌تر باشد، از خودگذشتگی بیشتری به خرج دهد، زودتر از خواب بلند شود و دیرتر بخوابد، و خلاصه بتواند هر چیز احتمالی را رفع و رجوع کند.»



جنسیت‌پرستی متعصب جلوه کنم و منظورم این نیست که از مردها بدگویی کنم ولی آنها غالباً به من می‌گویند: خشن‌تر باش. اما فکر می‌کنم منظورشان خشونت نیست بلکه منظورشان بی‌رحمی است. اشکالی من فقط این است که نمی‌توانم کسی را تحقیر کنم.»

خوب بود آن: «خوب بودن هرگز نباید به معنای ضعیف بودن تلقی شود. خوب بودن نشانهٔ ادب، نزاکت، متانت و توانایی یک زن در ایجاد راحتی برای همه است. مردها بیشتر مایلند رعب‌آور باشند اما یک زن دلش نمی‌خواهد رعب‌آور باشد و به

● مری رابینسون:

«امور خانه و خانواده، حتی برای زنی که وارد عرصهٔ اجتماعی یا سیاسی می‌شود، از وظایف اصلی به‌شمار می‌رود و تقسیم‌بندی متعادلی در وظایف او وجود ندارد.»

مری رابینسون
رئیس‌جمهور ایرلند
۵۲ ساله

پیشینه: پدر و مادرش هر دو پزشک بودند اما مادرش بعدها به خاطر بزرگ کردن پنج فرزندش از کار دست کشید. خودش در دانشگاه تربیتی دوبلین حقوق خواند و به‌دلیل موفقیت چشمگیرش از دانشگاه هاروارد بورس گرفت. وقتی در ۲۵ سالگی به خانه بازگشت، جوان‌ترین استاد حقوق در تاریخ دانشگاه تربیتی بود. سپس نمایندهٔ حزب کارگر شد و به پارلمان راه یافت و مدت ۲۰ سال برای اصلاح قوانین ایرلند فعالیت کرد. در سال ۱۹۹۰، علی‌رغم احتمال ۱۰۰ به یک در آغاز کار، به ریاست جمهوری برگزیده شد. ریاست جمهوری در ایرلند پستی غیرسیاسی است اما رابینسون اصلاح‌طلبی است که برای بیان نظرهایش در باب مدارا، کثرت‌گرایی و روابط انسانی راه‌های «نمادین» متعددی می‌یابد: از طریق سفر به مکان‌های مختلف در داخل و خارج ایرلند، مذاکره برای صلح، دعوت گروه‌های خاصی از مردم به سفر ریاست جمهوری و...

پیروزی انتخاباتی: «زنان ایرلند به جای تکان دادن گهواره، نظام را تکان دادند.»

فمینیسم برای همه: «فمینیسم واقعی به هر زنی مجال می‌دهد که راه خود را برگزیند. اکثر فمینیست‌ها برای کار زنان خانه‌دار ارزش قابل‌نباشند، چگونگی باید توقع داشت که جامعه ارزش آن را درک کند؟»

● در هیچ جای دنیا

هواپیمایی نظیر جت اداری بی نظیر بوتو وجود ندارد. مشاهدهٔ سربازانی که به زنی بچه‌بغل سلام نظامی می‌دهند، هم نامأنوس است و هم جالب.

همین سبب حتی سعی می‌کند غیررسمی رفتار کند اما این بدین معنا نیست که زن‌ها، به موقع خود، نمی‌توانند خشن باشند. من فکر می‌کنم ما باید با هم مهربان باشیم. من خیلی چیزها را تحمل می‌کنم، فقط به این دلیل که دلم می‌خواهد با مردم مهربان باشم.»

خطاب به متقدانی که می‌گویند ازدواج سنتی او خیانتی به زنان است: «خوب، من با این جریان موافق نبودم. مردم امروز به وسیلهٔ کامپیوتر قرار می‌گذارند. آیا این هم خیانت است؟ وقتی نمی‌توانید - حالا به هر دلیلی - مردی را برای زندگی ببابید، مجبورید دنبال یک واسطه بگردید.»

دوش‌های جدید رهبری: «زنان از دههٔ ۶۰ و ۷۰ فعالیت جدی خود را برای کسب پست‌های کلیدی شروع کرده‌اند. تا قبل از آن فقط تعداد معدودی از زنان کار می‌کردند؛ با ورود زنان به عرصهٔ رهبری، روش‌های سنتی رهبری طی ۲۰ - ۳۰ سال اخیر تغییر شگرفی کرده‌است. به اعتقاد من با ادامهٔ این روند تکاملی احتمالاً مردم تلقی جدیدی از سنت رهبری به‌دست خواهند آورد اما تا آن‌زمان، ما در حال گذار از یک نوع جامعه به نوع دیگر آن به سر می‌بریم.»

دوش‌های رهبری زنان: «فکر می‌کنم زن‌ها، به طور غریزی، کمتر تابع سلسله مراتب هستند. این ویژگی به‌خصوص در تشکیلات زنان و سازمان‌های داوطلب در ایرلند زیاد به‌چشم می‌خورد. زنان بسیار آزادانه، توانمند و مشارکتی عمل می‌کنند و از هر عضوی می‌خواهند که نقشی بر عهده بگیرد و در کارها سهم شود. به‌گمانم این موضوع در مورد زنانی هم که در «مقام رهبری قرار می‌گیرند، صدق می‌کند. آنها در رهبری هم زیاد اهل سلسله مراتب نیستند.»

در مورد سازمان ملل و کنفرانس پکن: «بد نیست اگر سازمان ملل از ساختارهای گوناگونی که زنان ابداع می‌کنند، بهره‌برداری کند. مثلاً زنان شبکه‌های «فیدی» ایجاد می‌کنند و ارتباط مؤثر و «محکمی» میان گروه‌های غیررسمی برقرار می‌سازند. من فکر می‌کنم این روش شبکه‌سازی به‌گونه‌ای که نیروهای مردمی را سازمان دهد، بسیار مفید و بااهمیت است. به‌رحال، باعث خوشحالی است که سازمان‌های غیردولتی دارند نقش مهم‌تری کسب می‌کنند.»

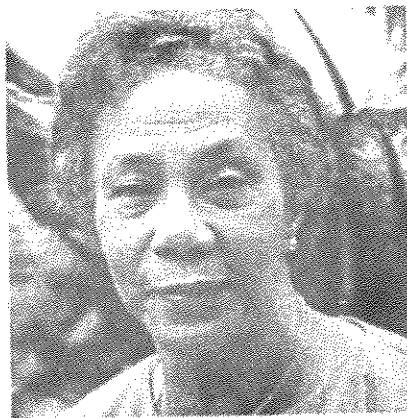


مارگارت تاچر
نخست‌وزیر سابق انگلیس
۷۰ ساله

● مارگارت تاچر در سال ۱۹۷۰ وزیر آموزش و پرورش شد و به سبب قطع مقرری شیر رایگان مدارس «مارگارت تاچر شیردزد» لقب گرفت.

نظر می‌گیرم.

نظر بناتویس کپیبل در مورد تاچر: «یکی از موضوعاتی که دوستان و دشمنان تاچر درباره او می‌گویند این است که تاچر عین مردهاست. مع‌ذالک او بی‌تردید یک زن است، او که سیاستمداری بی‌نظیر است، به دیده مردم به جنس مؤنث تعلق دارد اما می‌تواند از جنس دیگری هم باشد... خودش می‌خواهد او را یک زن بشمارند اما، در عین حال، برتر از زنان؛ او مانند مردها نیست، از آنان هم برتر است: او نخست‌وزیر، سرایزی کهنه‌کار و زنی خانه‌دار است. مردها هم نخست‌وزیر و سرایز هستند اما زن خانه‌دار نیستند. زنی که خانه‌دار نیست، به ویژه اگر ثروتمند هم باشد، همچنان یک زن باقی می‌ماند. اما یک مرد خانه‌دار انگار به نوعی مرد نیست (گو این که هر زنی هم مایل نیست که چنین مردی نصیبش شود). اگر بسیاری از زنان قدرت تاچر را ستایش می‌کنند، فقط به سبب زن بودن اوست. تاچر از تمام مردان دوروبر خود قدرت‌مندتر است و بر همه آنان فرمان می‌راند.» (زن آهین، ویرگو)



مری اوچینا چارلز
نخست‌وزیر دومینیک
۷۶ ساله

پیشینه: پدر و مادرش سراد کمی داشتند. خودش از دانشگاه تورنتوی کانادا در رشته حقوق فارغ‌التحصیل شد و در سال ۱۹۴۷ به عضویت

کانون وکلای انگلیس درآمد. وی اولین زنی بود که در دومینیک وگالت می‌کرد. در سال ۱۹۶۸ که حزب کارگر در دومینیک می‌خواست با فتنه‌انگیزی جلوی مخالفت‌ها را بگیرد، وارد عرصه سیاست شد و «حزب آزادی دومینیک» را تشکیل داد. در سال ۱۹۷۵، در مقام رهبر حزب، رهبری مخالفان را برعهده گرفت. او اولین زنی بود که پس از استقلال از بریتانیا در منطقه کارائیب به نخست‌وزیری رسیده‌است. وی به شدت ضدکمونیست است و از حمله آمریکا به گرانادا حمایت کرد و برای کشورش میلیون‌ها دلار از آمریکا کمک گرفت.

نکته: جالب: چارلز زیاد پای‌بند تشریفات نیست: یک بار در حالی که تازه موهایش را در آبشار پشت خانه‌اش شسته بود، با حوله سر و لباس خانه با مهمان خارجی‌اش ملاقات کرد. انتقاد از مردان: «من واقعاً شرایط بدی داشتم و آنها هم نهایت سعی خود را کردند. واقعاً تجربه تلخی بود. آنها خیلی سعی کردند به سبب آن که زن هستم، مرا خوار کنند اما من اجازه چنین کاری را به آنها ندادم. چون اعتقاد دیگری دارم. فقط می‌گفتم: بیچاره‌ها، نمی‌فهمند چه می‌گویند. در واقع، درباره آنها چنین احساسی داشتم. از نادانی‌شان متأسف می‌شدم. البته، هیچ‌وقت اینها را به زبان نیاوردم اما همیشه با خودم می‌گفتم: بیچاره‌ها، نمی‌دانند چه خبر است.»

شیوه‌های زهوی زنان: «زن‌ها معمولاً بیشتر از مردها به جزئیات توجه می‌کنند. مردها معمولاً دید کلی‌تری بر قضایا دارند و انجام کار را به دیگری محول می‌کنند اما زنان بیشتر وارد جزئیات می‌شوند و می‌خواهند از نحوه انجام کار هم مطلع باشند.» دنیای سیاست: «زنان، متأسفانه، جار و

● مری اوچینا چارلز زیاد پای‌بند تشریفات نیست. یک‌بار، در حالی که تازه موهایش را در آبشار پشت خانه‌اش شسته بود، با حوله سر و لباسی خانه با مهمان خارجی‌اش ملاقات کرد.

جنجال‌های سیاست را نمی‌پسندند... کسی که رهبر کشوری می‌شود مجبور است تن به پلشتی‌های سیاست بدهد، بله، سیاست واقعاً زشت و بی‌رحم است.»

مشکل زنان: «فکر نمی‌کنم مشکل زنان صرفاً بدرفتاری و خشونت باشد که نسبت به آنان اعمال می‌شود. به نظر من مردها عامل این رفتارها هستند

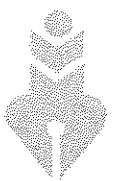
پیشینه: مارگارت روبرتز تاچر در دانشکده سومرویل آکسفورد تحصیل کرد و نماینده اتحادیه محافظه‌کاران آکسفورد شد. محقق شیمی بود و پس از سیار نامزدی نمایندگی بالاخره در سال ۱۹۵۹ به مجلس راه یافت. در سال ۱۹۵۱ با دنیس تاچر ازدواج کرد و در سال ۱۹۵۳ صاحب یک دوقلو شد. در سال ۱۹۷۰ وزیر آموزش و پرورش شد و به سبب آن که مقرری شیر رایگان مدارس را قطع کرد، «مارگارت تاچر شیردزد» لقب گرفت. در سال ۱۹۷۵ به رهبری حزب برگزیده شد. در سال ۱۹۷۹ با پرورزی محافظه‌کاران به نخست‌وزیری رسید و تا سال ۱۹۹۰ طولانی‌ترین دوران نخست‌وزیری کشورش را در قرن بیستم داشت. او اولین رهبر زن یک دولت مدرن اروپایی بود. دولت او، به ویژه، نسبت به حقوق زنان اعتنایی نداشت و هرگز هیچ زن دیگری در کابینه وی حضور نیافت. او محبوبیتی در میان مردم نداشت اما دولت‌زنی بسیار توانمند بود.

نکته: جالب: در دورانی که محقق شیمی بود، اعتباری - احتمالاً ساختگی - به دلیل درست کردن بستنی «آقای وی» به هم زد.

برابری: «در بریتانیا، زنان غالباً خیلی کمتر از آنچه ادعا می‌کنند، خواستار برابری (در مقابل عدالت) هستند. طلب برابری تنها یک سراب است.» شهرت بین‌المللی او: «خانم‌ها و آقایان، من امشب در لباس رسمی [ابریشم سبز] با آرایش ملایمی بر چهره و موهای بلوند کمی فر در مقابل شما ایستادم... من، بانوی آهین دنیا، غرب‌اف؟»

خشن بودن: «اگر سیاستمدار باشید، نباید زیاد در این مورد حساسیت به خرج دهید. فقط باید بتوانید برای کارتان توجیهی اصولی و منطقی ارائه کنید و [سعی کنید] نظراتان را جا بیندازید.»

سهیمه: «من با اختصاص سهمیه‌ای خاص به زنان شدیداً مخالف هستم. این کار کلاً و مطلقاً خطاست. من همیشه شایستگی و قابلیت افراد را در



بنابراین آنها باید خود را اصلاح کنند. بهر حال، زنان دارند به نگرش‌های متفاوتی در این زمینه می‌رسند.»

برابری: «به اعتقاد من برابری از هر چیزی مهم‌تر است. من در پی ارجحیت نیستم و نمی‌خواهم چون زن هستم، ارجحیت داشته باشم. اما دلم می‌خواهد مرا انسان آزادی بداند که توانایی انجام کاری را که به عهده‌اش محول شده، دارد، سوای آن‌که زن خلق شده باشد یا مرد. برابری فقط در این صورت محقق می‌شود.»



ویولتا چامورو
رئیس‌جمهور نیکاراگوئه
۶۵ ساله

پیشینه: در خانواده‌ای متمول به دنیا آمد و در آمریکا تحصیل کرد. در سال ۱۹۵۰ با پدرو چامورو ازدواج کرد. پدرو مبارز جسوری بود که علیه رژیم سوموزا می‌جنگید و بارها به زندان افتاد و تبعید شد. آنان صاحب پنج فرزند شدند که یکی از آنها فوت کرد. پدرو چامورو در سال ۱۹۷۸ ترور شد. پس از مرگ او، صاحبان مشاغل و تاجران نیز متقاعد شدند که نقطه عطف تاریخی نیکاراگوئه فرا رسیده و در نتیجه به جنبش ضد سوموزا پیوستند. بالاخره، پس از شورش انقلابی سال ۱۹۷۹، جبهه آزادی‌بخش ساندینیست‌ها به قدرت رسید. از آن پس ساندینیست‌ها سال‌ها درگیر جنگ داخلی با کنتراهای آمریکایی بودند.

رهبر ساندینیست‌ها، دانیل اورتگا، در سال ۱۹۸۴ در انتخاباتی دموکراتیک از سوی مردم به ریاست جمهوری برگزیده شد اما، در سال ۱۹۹۰، رأی‌دهندگان خسته از جنگ، چامورو را عامل صلح و وحدت ملی یافتند. او در این زمینه تجربه داشت: دو تا از بچه‌های او طرفدار ساندینیست‌ها بودند و دو تای دیگر کاملاً مخالف.

شیوه‌های رهبری زنان: «زنان در رهبری از روش‌های مسالمت‌آمیز، برقراری روابط دوستانه و توجیه استفاده می‌کنند زیرا در خانواده نیز نقش تحکیم روابط اعضای خانواده را برعهده دارند در

حالی که مردان معمولاً از طریق اعمال قدرت و ارباب رهبری می‌کنند. وقتی زنان وارد عرصه سیاست یا تجارت می‌شوند، این ارزش‌های اخلاقی را که در خانه به‌کار گرفته‌اند، با خود به آن عرصه‌ها می‌کشانند. این ارزش‌ها نتایج خوبی به بار آورده‌اند، حتی به جرئت می‌توانم بگویم که عملکرد آنان بسیار سودمندتر از روش‌های سنتی مردان برای اعمال رهبری بوده است.»

درسی برای مردان: «مردان به نحای مختلف زنان را درک نمی‌کنند، شواهد بی‌شماری این مدعا را ثابت می‌کند. فکر می‌کنم زمان آن رسیده که رهبران مرد، رهبران زن را به مثابه الگوهای جدید کاری بنگرند. آن‌گاه متوجه خواهند شد که اقتناع نتایج بهتری به دست خواهد داد تا تقابل. و بالاخره، این واقعیت را درخواهند یافت که هنگام ارتباط با سایر ملل جهان روش‌های مسالمت‌آمیز باعث اتحاد مردم می‌شود و در نتیجه همه می‌توانند در کنار هم به مصلحت جمع عمل کنند.»



ویگدیس فینبوگادوتیر
رئیس‌جمهور ایسلند
۶۵ ساله

پیشینه: در سال ۱۹۸۰ به ریاست جمهوری برگزیده شد. چهارمین رهبر دولت و تنها زن رهبر پس از استقلال ایسلند از دانمارک (۱۹۴۴) بود. مادرش پرستاری مبارز و پدرش مهندس و استاد دانشگاه بود. خودش سابقاً معلم و مدیر یک مؤسسه تئاتر بود و علاقه‌ای وافر به هنر داشت. در ۴۱ سالگی از شوهرش جدا شد و پس از آن دختری را به فرزند پدیرفت اما این تصمیم نقطه ضعفی برای فعالیت سیاسی او محسوب نشد. او در مصاحبه‌ای با نیویورک تایمز گفت: «به گمانم مردم این کار نامتعارف مرا که زنی تنها بچه‌ای را به فرزند پدیرفته، مورد تأیید قرار داده‌اند.»

نکته جالب: از سال ۱۹۸۰ که او به ریاست

جمهوری انتخاب شد تاکنون، پس از سپری شدن هر دوره چهار ساله، او دوباره به این سمت برگزیده شده‌است. به همین سبب می‌گویند که یک نسل کامل کودکان ایسلند بر این گمانند که رئیس‌جمهور همیشه باید یک زن باشد.

انتخاب او: «آنها مرا برگزیدند چون زن هستم، و علی‌رغم آن که زن هستم.»

مجرد بودن: «مجرد بودن من، به نوعی، توانایی من محسوب می‌شود چرا که اگر شوهر داشتم، همه می‌گفتند: «شوهرش بیش یاد داده». در حالی که یک نماینده مرد هرگز در مظان این اتهام نیست که تحت تأثیر زنش قرار گرفته و زنش به او جهت می‌دهد. این یک واقعیت است.»

زنان و جنگ: «زنان عموماً صلح‌جوتر از مردانند. به همین دلیل هم در مورد جنگ، مرگ زودرس و افراد مجروح حساس‌ترند؛ گواهی‌کننده شدت این احساس متغیر است. در بعضی کشورها زنان در نیروهای رزمی ارتش استخدام می‌شوند که البته به فرهنگ خاص آن کشورها مربوط است. در این سوی جهان، به اعتقاد من، زنان اصلاً دلشان نمی‌خواهد به استخدام نیروهای رزمی درآیند یا به جنگ بروند.»

زنان و خدمات رفاهی: «ما سرفرازیم که در کشورهای نوردیک شرایط خوب اقتصادی کشور در جهت رفاه مردم به کار رفته است. البته در زمینه حقوق زنان نیز بسیار پیشرفت کرده‌ایم اما همیشه وقتی بحران و رکود اقتصادی پیش می‌آید، اول از همه ارائه خدمات رفاهی به مردم کاهش پیدا می‌کند و همین‌جاست که به نظر من زنان در مقام سیاستگذار می‌توانند خوب عمل کنند. زنان ضرورت ارائه خدمات رفاهی را بیشتر درک می‌کنند. آنان می‌دانند که افراد مسن باید تسکین و امکانات بهداشتی و پزشکی در اختیار داشته باشند. آنان برای تحصیلات اهمیت خاصی قایلند. تحصیل کلید همه چیز است، به‌ویژه برای زنان»

سال گذشته، لارا لیس‌وود با ۱۵ رهبر زن جهان مصاحبه‌هایی انجام داد تا نوار ویدیویی آن را در چهارمین کنفرانس جهانی زن (یکن - ۱۹۹۵) به‌نمایش بگذارد. مقاله حاضر خلاصه‌ای است از چند گفت‌وگو در آن مجموعه.

